

دیم مثلا اگر مهل زده باشی نقطه مطلوب که در خانه آمده در آن خانه  
 اگر مفقود نشود دلیل نامردی باشد و آن کار تمام نرسد و اگر  
 مفقود نشود و در هرگز غیر است مثلا انش در خانه بآدان کا  
 باسانی براید و خوبست و در مرکز اب مفقود نشود ان کا در باید  
 و نشوینش کشد و اگر در مرکز خود مفقود شود ان کا بونگی براید  
 احوال ببران که امر و زبانه از نفعهای طالع چهارم تحصیل ارضی  
 ست و آن در تحصیل سمائی است از مطولیا و نظرات شاه حکم کنند  
 اگر بقوه بود باره که ضعیف بود بنا بر آن کسی سوال کند فلاح  
 یعنی دوست یا نه چوه مهل تمام زده باشد از نفع طالع حکم سایل  
 کند و زبانه معلوم و اگر هر دو بقوه باشند و سستی شود از  
 هر دو جانب اگر یکی بقوه بود و مطلوب یکی ضعیف پس بگویند بر  
 دوست و یکی بر آن از جهت خرید و ووفت و سفر رفتن از آن  
 مقصود بقصد دیگر مهل بدیم این نوع بود

چوه غیر مهل بودیم بباد عم بیست در پنج که  
 باد اول است و صفا دوم کفتم سوال نشن  
 است و غیر مهل یا معامله گفت بله چوه  
 نقطه حکم بالا بودیم بفرست الواض بیواست و مطلوب اونی باشد  
 و کینه او مسؤل چوه از جهت مال و معامله بود و مطلوب نقلی  
 نگاه کردیم تا کجا واقع است در شانودیم دیدیم در مرکز موقوف پس

کوم مال و معامله تو شکست زیرا که مطلوب خود را در مرکز موقوف دیدی مثلا  
 اگر مطلوب نقلی در مهل نباشد و بیجا پیش فرج باشد کوم معامله تو  
 تبست است اگر چند روز محل کنی به باشد سبب آن فرج باد ششم  
 است و در خانه چهارم و نیو باد است باد در داخل است و تبست  
 باشد کل حال در شش و آن دیده باشد تاریخ صورت اشکال این نوع بود

چوه نفع حکم اجتماع میزانه بالا بودیم  
 با بقرای بیوست در هفتم در سکن خود  
 بطریق دور نقطه در هفتم هم خانه خود تبست  
 باشد واقع است دلایات بر قوه طالع و نفع حکم  
 و سکوته در هر حال و معامله و علم و سفر است و مملوق خود نرسد در مقام  
 از جنس باقی که از این مال حاصل شود با سود اگر کینه کینه بجان دیگر  
 برود و فریضی و اینها هم از هر بیاض است بر سکن خود حاجتی شود  
 دوم او کینه گاه باشد اب بیاض در سکن واقع است مجتهد در نقطه  
 و مجتهد طالع نفع در مهل است و مطلوب او کینه لاجرم است در هر  
 و باطنی مهل پیدا نیست دلیل است بر ضعف کینه گاه از در و معا  
 نادانسته و اقی باشد زیرا که بجای کینه لاجرم اب غنیه لاجرم تبست  
 و صاحب ستمانی بدزد است و خیران هفت و چوه نگاه کردیم غنیه  
 لاجرم تبست بکار واقع بود در اول و سیوم و پنجم و ششم در اول و سیوم  
 بقوه بود زیرا که نفع نقلی باشد و پنجم و ششم مهوم اما چوه اعتماد بر شکل

ارائه از مرکز موقوف  
 نرخته میشود

کوم